شهرهای محروم و دورافتاده بسیار محدود است و جوابگوی تأمین اشتغال نیروی انسانی این مناطق

توليد ثروت بهطور عادلانه فراهم شـــود. اميدواريم

شرایطی برای حذب سرمانه سر گردان که هر ساله

سریسی بردی بسب سرید سر بردی م بردی. افزایش می یابد، فراهم شــود؛ سرمایه هایی که اگر وارد چرخه تولیدو اقتصاد شــوند، این حوزه نجات

پیدا خواهد کرد. مناطق محروم خراســان رضوی هم از این قاعده اســـتفنا نیســتند جذب سرمایه و تشويق به سرمايه گذاري مي تواند جوانان رااز يكارى ومهاجرت اجبارى بیکاری و مهاجرت اجباری باز دارد. در منطقه ما به دلیل فقدان اطلاع رسانی، افراد نمی دانند منابع

. خود را در چــه حوزههایی ســرمایه گذاری کنند، که باید با ســاماندهی و مدیریت منابع بخشــی از سرمایه سرگردان را در منطقه جذب کنیم. توزیع امکانات در شهر ســتان های استان نامتوازن است. در سطح شهر مشهد سه درمانگاه تأمین اجتماعی

با تجهیزات کامل افتتاح می شوداما شهر کاشمر با ۸۵هزار بیمه شــده تأمین اجتماعی یک درمانگاه

زیادی داریم. جادههای بهســازی نشــده، قربانی می گیرند؛ حجم ترافیک و تراکم وسایل حمل ونقل

مرگ می کشاند. کشاور زان استان مشکلات زیادی

بهواسطه کمآبی دارند بهطوری که وضع کشاورزی را بحرانی کرده است. ما در مجلس تلاش کردهایم

تا جلوی فرار ســرمایه را بگیریم که نســبتا موفق به این کار شــدهایم. جذب ســرمایه بــرای تولید

اشتغال مولدتا حدودی تعریف شده وانسجام خوبی بین مسئولان و مدیران ایجاد شده است. تلاش ما

اين است كه به روند جذب سر مايه سر عت ببخشيم.

ـت در او باقــی می

این جنگها و وحشــیگریها را فراهم می کند.

دی دولتها میتوانند با بالا بردن نسبی سطح رفاه جوامع خود و دادن عزتنفس و احترام به افراد

از کودکی، زیرساختهای جهان بهتر را فراهم بیاورند چون افراد تربیتیافتسه در این جوامع

بیورت چی را ترییبی فاصلے گرفتهاند. اکثر جوامعی که در آنها خشـونت به چشـم میآید سطح رفاه فیزیکی و زیستی پایین است و افراد

این جوامع با تخاصم به دنبال خودخواهی های خود هستند. آدمی باید نســبت به خود و افراد

این است که هر چه را برای خــود می خواهد،

روانی بالایی برخوردار می ودو حس رضایتی در درون خود احساس خواهد کرد. چیزی که در جهان امروزی کاملا مشهود است سردر گمی

بشر و زیست او در این وادی است. جوامعی که امکانات و ابزار دارند، سعی می کنند با استفاده از

امکانات خُودُ افرادُ و جوامع دیگر را تحت کنترلُ خـود دربیاورند و نمی توان گفـت که جامعهای

ظالم است و حامعه تحت کنتر (, حامعه مظلوم

چون اگر کشور مغلوب هم ابزارش را داشته باشد چون اگر کشور مغلوب هم ابزارش را داشته باشد این کنترل را بر دیگری اعمال خواهد کرد و این

».» هجومها تنها برای کسب منابع و بهرمندی از امکانات کشورهای مغلوب نیست گرچه در این

سيكل از منابع و شــرايط موجود نهايت استفاده

سیس رسیم و سرایع موجود به یک استاده می شــود. این دور از اول تاریخ بشر وجود داشته و تا به امروز همین گونه بوده و مسأله مهم در این

ر با این بیست که چه کستانی چه کارهایی میکنند بلکه مسأله اساسی و مهم این است که

ی بشــر باید از این مرحله و خودخواهی عبور کند. این ضعف بشر اســت که وقتی به قدرتی در هر سطح و مرتبهای که باشد می رسد شوق به تحت

کنترل در آوردن آدمها در او فوران میزند برای

ِسیدن به این شوق و غریزه حاضر است هر گونه

فجایعی که گاهی به فکر کسی خطور نمی کند

مى بارسيدن به حس نوعدوستى از ظرفيت

بیرامونش به در ک شــناختی مناسـ

برای دیگری نیز بپ

عبوراز خودخواهىزيستى،رسيدنبه نوعدوستي

محمودبهرامي شاعر ومترجم

يطى دارد. تعريفى كه

فرد، بزرگتر اس

جهان بهتر

ماند و زمي

بت به خود و افراد

ـبت به این مسأله، حداقل

سطح , فاه

ـــار زيادتر از ظرفيت رامهاست به همين دليل . تصادفات جادهای هر سـاله هموطنـان را به کام

آن هم باامکانات ناقص دارد. ی مرابعت می می می می می می می می می استان زیر سازی جاده های منتهی به شهر های استان زیر سازی در ستی ندارند، ما در راه های استان مشکلات

رى يى ئى بررى يى بررى يى بى بى ـت ضرورت دارد كە فرآيند گردش سرمايە و ساص منابع،سامان پيداكند بايدشرايط وبستر

ن فرآیندها و کاهـش هزینههای تولی

سرمایههایسرگردان؛جوانانحیران

محمد اسماعيل نيا

جودمشــكلات ومعضلات اجتماعي ، موضوع

بدُيدُى نيست. برخَسي مشـكلات و معضُلانً

جتماعی در تمام شـهرهای محروم اســـتانهای

کشورمشتر کاست.بیکاریونبودزیر ساختهای اشتغال یکی از مهم ترین مشکلات جوانان کاشمر

استعلی یکی از مهمرین مستقرع جوان کاسم ودیگر مناطق محروم خراسان رضوی است که این نیروی آماده کار رامجبور به مهاجرت به شهرهای های بزرگ و استان های دیگر می کند. رشه بیکاری برای هر جای کشور این است که سـرمایه گذاری برای تولید صورت نمی گیرد تولیف هزینه همی زیادی

چیت فراید بی غیرت بوید موجد مربع شهر رودی دارد و تضمینی بـرای موفقیت تولیدکننده در بازار وجود ندارد. پس سـرمایه گذار به جای این که پورش را صرف تأسیس کارگاه تولیدی کند و برای

جوانان کار آفرین باشده، سرمایهاش را به صورت سپرده در بانک ها می گذارد. مشکل اشتغال از

جایی ُشـروع می شـود که نقدینگی به تولید گره نمی خورد. آمار می گوید ما ۱۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه ُسرگردان داریم که به اشُتْغال نمی آیند. چرخه پویایی جامعه با کار و اشتغال حرکت

می کندام چیزی که در جامعه امروز می بینیم

مناسب ندارند. این موضوع در شهرهای کوچک و شهرســـتان.های کمتر برخوردار وضع بحرانی تری دارد.زیرا در شــهرهای بزرگ موقعیت.های کاری

بیشتر است و امکانات بهتری در اختیار شان

... است. اما شهرهای محروم هیچ ظرفیتی برای اشتغال ندارد و جوان ناگزیر است به مناطق دیگر

مهاجرت کند که همین مسَــاًله مشکلات بسیار بیشتری به دنبال خواهد داشــت. درصد زیادی از

مردم در شهر ســــتان های خراســـان ضوی قدر ت مرم بار مهرستان دی موجود او سم ندارند و در فقر تهیه مایحتاج زندگی خود را هـــم ندارند و در فقر به ســر میبرند. ســرمایه گذاری دولتــی هم در

مربوط به هر فرد است و افراد از منظر خود،

جُهانی بهتر را تعریف می کند. این تعریف تاحد زیادی به تجربیات و مطالعات فر دی بر می گردد.

جوانان تحصيلكردهاي هسيتند كه فرص

تريبون

صلحنوشت

Are has



گفتميناهبهابروت

مىروند

گفتی ہے ہ

۔ گفتم پناہ بہ ابروت

ممیشه نادیدنی با*ش*د

لفتم يناهبه ابروت

هستەميلمىكنيمبانانشيرينى

۔ گفتی نگرایاک می کنیم که زیبایی

باچهرەهاىبىرنگخيابانرامرورمىكني

عليرضابهنام اشاعر

حدوث عاطفه درمن وقتخالى اغياربود وقتى كه زيبايى رفته بود زيبايى بچيند تنها گفتی چرا زمین کج است و هی گل میزنند به دروازه خودی شــیخهای خلیج چه کار دارند که هی فار س مىشودآبھاىمواجاطرافبرجالعرب گفتم يناهبه ابروت گفتی کبوترها از آشیانه ها به شیان کوچ مىكنند ں زمینھایھکتاری رفتار روبه بالای زمین راو لالای آب س مے شوند

ى. گفتم پناەبەابروت ئفتى الواحمستور شستهمى شونداز آب

افراط و تفریط یکی از خصوصیات بارز مردم ایران است. این را هم خود شما بارها گفته اید و هم بسـیاری از صاحب نظران دیگر، اما من

و تفریطــی را مثل یک بذر در ایران پاشــ .د؛ در واقع نوعی تحدید سی

فرهنگی – اجتماعی که مثلا نمونــهاش را در دوران صفویه می توان سراغ کرد. آیا می توان

دورانهای مشخص تاریخی را در اینباره نام

. بله افراط از ویژگیهای عمده جامعه است؛ یعنی

چەدر حدفردو چەدر حداجتماع. من نمىدانم چەسر كوب سيستماتيك فرھنگى-

اجتماعيى در دوره صفوييه بود كه مشلا در دوره

سلجوقي يا دوره قاجار نبود. ريشه اين رفتار هم در

کوتاه مدتی جامعه است: از این شاخه به آن شاخه

ر پریدن، یک روز به شدت دوقرده شدن و روز دیگر به شدت دچاریاس گشتن و پشیمان شدن.

اروپاییان هم کم تحت ستم نبودهاند و اروپ پیسان میرون وسطی تجربه هولناک آنان است. اما چرا در کشبور ما و دریک معنای

وسیع تر، در خاور میانــ فرهنگ افــراط و تفریـط خیلی خیلی ریشــهدار تر از ســایر

جاهای دنیاست؟ اگر قرار باشد نسبتی میان تز کو تاهمدت بـودن جامعه ایرانـی و فقدان

فرهنگ نقدو نقادی در ایران برقرار کنید، چه

م این موضوع ربط مســـتقیمی به ستمگری ندارد.

جامعه اروپایی اصولا جامعهای بلندمـدت بود و ، ایرانی اصولا جامعـــهای کوتاهمدت. فقدان

فر هنگ نقد و انتقاد مربوط به افراط و تفریط است و

مهــم جامعه مــا امــروز فقدان روشــنفكران اجتماعــى تاثير گذار در كشــور اسـت.فارغ

اجتماعی نائیز کنار در دستور است. دارع از این که ما چه نسبتی با روشنفکرانی مثل آل احمد یا شریعتی داشته باشیم، بفرمایید

چرا دیگر در ایران چنیین روشینفکران غیر آکادمیکی که در جامعه اثر گذار باشیند، ظهرون کردند؟یا به عبارت بهتر آیا روند

بطئی سیاست گذاری های سیاسی - اجتماعی غیر جامعـوی و البته پر از تضاد در ســال های

فذشَّته ايران نبود که منجر به شرايط اخير

ائل

نراط و تفريطٌ مربوط بهُ جامعه كُوتاهمُد ر – د آقای کاتوزیان، فکر می کنم یکی از م

م خواهیدگفت؟

جامعـ

ادامه از صفحه ۹

مهم هند

برد؟

ناشيدواست . و شعر شایعهای است نامعقول پیچیده در ۔ ىتھايخالى گفتم بناهبه ابروت گفتىبارھاكج شدندومنزل بەمانمىرس بندرهایخالی کشتیهایغریبراتاراندهاند و از فـراز دکل تنها سـراب جزیره اسـت با قشهاىمفقود گفتم پناهبه ابروت گفتىچرابيگانەايم؟ گفتم بيگانگي بارزمين است بر دوش اط معكوس

کتیبهها را بــادی اریب از ســردر عمارتها

بنوع مے شود وقتى يرندهم ببردبهشهرىدرغيابليلى نممنوع بریز دبه یای کبوترانی بابغبغوی بیگانه و آدمها بـــا گل های ســـیمانی بـــه وعده گاه

حدوث منوقت خالى زمير و انجیر میوهای بسود با بر گهای ۔ رشت ممنسوع سود صداي سرکردم و . . . سدایی منتشــر ، حنجرەھاىيشقاي

اماً همه افــراد در جهان بهتری کــه برای خود متصور هســتند، عدالــت، صلح، نوعدوســتی را از ارکان مهــم میدانند. رســيدن به جهانی پر از آرامش و صلح که انسان ها با عدالت و نوعدوستی در کنار هم همزیستی داشته باشند، آرُمانی است که تاکنون آدمی به آن نرسیده و همیشه امید آن را دارد که روزی فراخواهد رسید که بشتر در چنین جهانی زندگی کند. تجربه زندگی ام و مسیر رشدی که طی کرده ام به من ثابت کرده گرایش به نوعدوستی در آدمی ، وجود دارد ولی با نگاهی بــه جهان پیرامون، به این نتیجه میرسم که هنوز افرادی هستند که این میچه هیراسم تعفور مرامی معفور مرادی مستند که برای سیبر بودن با به اصطلاح درست سیرز جنگهاو فجایح انسانی را را می اندازند اما نباید خیلی بدبینانه به این مسأله نگاه کرد چون آدمی از همان ایتـــا تا به حال درحــال گذر از سمی را همی را میک و یک کار حال مین در خودخواهی است و در راه رسیدن به نوعدوستی تلاش می کند. اگر آدمی به این یقین برسد که دیگران نیز مثل او هستند و آنها نیز همانند او حقی دارند شاید گام اصلی و بزرگی را در راه ساختن جهان بهتر خود بردارد. بشـر امروز با پایبندی به ضوابط اخلاقــی و درک این که هر فرد به نوبه خود دارای اهمیت اسـت، می تواند سیاری از مسائل خود را در راه رسیدن به جهان ايدهآلش حـل كند البته رفتار هـاى خصمانه فراد و جوامع نسبت به هم، بـــه نابر خور دار ی آنها و شاید یک خشیم نهفته در درونشان به دلیل نداشتههایشان بر گردد. هر فرد به امنیت زیستی، مسکن و نیازهای اولیه نیاز دارد که گاهی در داشتن آنها به یک خودخواهی دچار میشود. برخی رفتارهای بشـر به رشدروانی و احسـاس امنیت او در کودکی و نحوه عملکرد احساس امنیت او در کودکی و نحوه عملکرد زیستیاش برمی گردد. بشهر به خاطر فقدان عدالت در توزيع امكانات و خدمات، از مرحله

را انجام بدهد و این کار در هر مرحله از قدرت به که برای نیازها و اضطرابهایش پاسخ مناسبی نمی گیرد و ایــن معضـل از اندازههای طبیعی

نوعی مشهود است و تمام اینها به این دلیل است که در کاخلاقی در بشر کامل نشده است.

نامین می کرد، همین! فکر می کنید جامعه ایران چگونه از گذرگاه

مادچار خودسری فردی و جمعی بوده ایم

در کشور ما شا افتًادهانُدُ دنبال عقل معاش و كارى نُدَّارند بُه اين كه روشنفكر ودانشگاهى دار د چه مى كند و چه می گوید؟

رون مری مرید. این چندیت دلیل دارد. یکی این که توقعات غیرواقع بینانهای که از تأثیر آراو عقاید روشنفکران بیش از انقلاب وجود داشت، بر آورده نشد. فراموش نکنید که یکی از مهمترین ارکان روشنفکری پیش ا; انقلاب، ما, کس ىست– لنى: م بــه دلايلُ داخلــى و هم خارجى، عمـُـوم مردم دیگر آرمانخواه نیسیتند. این وضع مثل داسیتان - پیر را در این می می وقع میں مرارت های «کاندید» ولتر است که پس از تحمل مرارت های بســـیار از راه آرمانخواهی دســت آخر به این نتیجه ر سيد كه بهتر است انسان حياط خانه خودش را گلكاري كند. گذشته از اين، علم سياست و تاريخ و جامعهشناسی این روزها بیش از گذشته دانشگاهی . و تخصصی شدهاند و جای زیادی برای انبیای زمینی نگذاشتهاند. البته این را هم بگویــم که در جامعه وتخصصى شد كوتاەمدت چە بسا كە با يک گردش چرخ نيلوفرى. ھمەچيز وارونەشود. كسى چەمىداند؟!

اما یک جریان خاصی هم در کشــور وجود دارد که کار ویژهاش طرد و نفی روش اجتماعی است. جریبان نولیب (ا) در ایران

نشان دادهام که از یکسو دولت تمایل به استبداد (یعنی خودسری فردی) و ملت تمایل به هرچومرج (یعنی خودسری جمعی) داشته است این دوروند یکدیگر را توجیه کردهاند؛ خودسرى دولت وبى مسئوليتى ملت دوروى يک سکه اند.

اتیک فر هنگی –اجتماعی در دور ه صفو یه بود که مثلا من نمی دانم چه سر کوب در دوره سلجوقی یا دوره قاجار نبود. ریشـه این رفتار هم در کوتاه مدتی جامعه است: از این شاخه به آن شــاخه بریدن، یک روز به شدت ذوق زده شدن و روز دیگر به شدت دچار يأس كشتن ويشيمان شدن.

مان در داده میرد در اینامه نیریسید. بایو چین در مانی میرد این ماه بیمید در این ماه بیمید در ودر اقلاب سفروطه که هنوزی کنظره افت دارای کنف شده بود بر هداستیداد قدیم شمی گفتو وفتش که کوفتی رائت فت بخش عمدهای از در آمد دولت دور آمدارزی آن را آنامین می کند آمایلاد استانیدارین از مواهم کسی می ایندازند توک را است چون این ولی فده دکشوری مانند ابروز که یکی از بزرگ ترین صادر کنندگان نفت و گاز است چون این

کار رانگرفتندولی من به قیمت طعن و لغن و کار رانگرفتندولی من به قیمت طعن و لعن و چندا سان ساینا بیراه بیاست ا در بموییم در دوران ریاستجمهوری آقـای احمدینژاد تهاء.

بولتى مىخواندنىد، مانند راديو دولتىي، راهآهن

سخت امروزینش که مملو از تضادهاست عبور خواهد کرد؟

ىن غيب نمى دانم و نمى توانم پيشگويى كنم.

گفتم يناه به ابروت گفتیچراسیمان؟ گفتم يناهبه ابروت ناديدنىدستيافتيم --- ی حالاکهنان نداریم

شــب از گلوی مرغ سحر نالــه فتم تـا دمدماي گفتــــم ينـــاه به گفتی به قیس می گوییم جنون را بر باد سوار

گپروز

نانب در حوزه علموم اجتماعي ايمران مطرح

کردم و وجوه تاریخی و جامعه شناختی آن را شرح دادم، در عین حال من یکی از سه نفری بودم که در حدود ۴۵سال پیش ماهیت رانتی

رآمد نفت را کشّف کردم. آن دو نفر دیگر دُنبال

خودخواهی زیستی عبور نمی کند و از آن جا که برای نیازها و اضطراب هایش پاسخ مناسبی

ـدەاست؟اينكەمردم يكسره که علت همــه بدبختی های مــا را در فر هنگ نفتی – استبدادی می داند چند سالی است که از حوزه نظر خارج شده و به ساختار قدرت نزدیک است البته شاید بیشتر از چند سال! شاید بیراه نباشد اگر بگوییم در

در هیچ موضوعی یک طرف سفیدو یک طرف دیگر سیاه نیست. من روندهای تاریخی را

من هر گزادعا نکردم که رانت نفت سبب استبداد بود چون استبداد قرن ها سابقه داشت کشورومردمانش چنانسوابقیندارند.

خُاطرتانُ باشـدد کتَر مصَدقَ را هم ناسيونال سوسياليسـت و عامـل بدبختـي ايرانيـان دانســتند چرا که بهزعم اینها، مصدق بود که نفت را دولتی کرد. شــمافکر می کنید فرجام بکارگیری غیــر ایدئولوژیک نو لیبرالـی و مصرفگرایانـه توسـط نهادهـای اجرایـی در ایــران، در بلنــدمدت چه تاثیـری در فرهنـگ عمومـی جامعه ما خواهدگذاشت؟ اً استنداد به معنای اختص آن را نخستین بار

دوران ریاستجمهوری اقلی احمدینزاد تزهلی اقتصادی همینان بود که داشت اجرایی می شد. اینها در سخن، توسعه فرهنگ عمومی را ترویج می کنندامادر عمل، اجرایی شدن سیاستهای خود آنها است که تضاد مصرفی را در جامعه ما مدام بیشتر کرده بی اعتنایی و ناسزا گویی از جانب صاحبان نظریات و ایدئولوژی های حاکم (چه در ایس مورد و چه در مورد استبداد) دنبال کار را گرفتم تا این که امروز رر حتى كودكان هــم كموبيش از ماهيت اســتبداد و خصلت رانتى در آمد نفـت باخبرند. اما من هر گز ر ادعا نکردم که رانت نفت ســبب استبداد بود چون استبداد قرنها سابقه داشت و در انقلاب مشروطه ودرنهایت وضع به همان وضع جنگلی که شما پیشتر به آن اشاره کردهاید بدل میشود.

که هنوز یک قطره نفت در ایران کشــف نشده بود سداستبداد قيام شد. من گفتم و نوشتم كه وقتى رانت نفت بخش عمدهای از در آمــد دولت و در آمد اُرزی آن را تأمین می کند، تمایلات استبدادی را در جوامعی که سابقه اســتبداد دارند، تقویت می کند . ولی نه در کشــوری مانند نروژ که یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت و گاز اسـت چون این کشور و مردمانش چنان سـوابقی ندارند. اتفاقا در آمد نفت در کشــوری مثل نروژ ســب تقویت دمو کراسی و رفاه اجتماعی شده است. بنابراین تصور این که رانت

ر بندایی نفت خودبه خود موجد یک نظام استبدادی است اساسا غلط است. اما موضوع ملی شدن نفت در ایران در آخر سال ۱۳۲۹ موضوع دیگری است. اولا در آن زمان نهادها و صنایع دولتی را عم

دولتی می خواند ک ماند رادیو دولتی مرار آداهن دولتی بیمارستان دولتی مدارس دولتی و جز آن. نانیامنایع ففت در آن زمان خصوصی نبود که قانون بگذراند و آن را دولتی کنند، بلکه در دست شرکت نفت انگلیس بود و معنای ملی کردن خلع یداز آن شرکت و بازگرداندن مالکیت منابع نفت ایران به ایرانیان بود. ثالثاً پیش از آن هم رانت نســــتاً ناچیز نفت مستقیما توسط شر کت نفت انگلیس به دولت يران پر داخت می شد نه به مالکان خصوصی رابعا، ، کودتای ۲۸مرداد هم که کنترل نفت ایران به یک کُنسرسیوم خارجی داده شد باز هم رانت نفت